

سبک زندگی اخلاق معصومان علیهم السلام

انفاق و سخاوت در سیره معصومان علیهم السلام

اشاره

اهل بیت علیهم السلام، اهل پاکی و صفا، انسانیت و کمال و خیر رسانی به مردم بودند. و منشأ فضایل، کرم، معدن خیر و احسان و بسیار انفاق می‌کردند؛ بدون آنکه تمایلی داشته باشند که دیگران آن را بفهمند. در زیارت جامعه کبیره نیز درباره آنان می‌خوانیم: «وَ عَادَتْكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجَّيْتُكُمْ الْكِرْمَ»^۱: «عادت شما، احسان و صفت ثابت و خوی درونی تان، کرم است».

معنای سخاوت

سخاوت در مقابل بخل قرار دارد؛ یعنی انسان از امکانات مادی و معنوی که در اختیار دارد، به تنهایی استفاده نکند؛ بلکه با بخشش به دیگران، قسمتی از مشکلات آنها را حل کند و دیگران را از نعمت‌هایی که خداوند به او داده - اعم از مادی و معنوی مانند علم - برخوردار کند.

سخاوت از «سَخَى»، یعنی توسعه و فراخ گرفتن در چیزی و فرج در کاری. «سَخِيتَ الْقَدْرَ»، یعنی هدایت کردن آتش به زیر دیگ و توسعه دادن حرارت به زیر دیگ و ایجاد گرمی و حرارت در همه جای آن. بنا بر این تعریف، سخاوت موجب

۱. شیخ صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، ص ۶۱۶.

۲. احمد بن فارس؛ مقاییس اللغه؛ ج ۳، ص ۱۴۷.

روشنایی و گرم کردن کانون خانواده‌های بینوایان می‌شود. شاید بهترین بیان درباره سخاوت، این سخن امام رضا علیه السلام باشد که فرمود: «السَّخِيءُ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِنَلَّا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ»^۱ «انسان سخاوتمند، از غذای دیگران می‌خورد تا از غذای او بخورند؛ ولی انسان بخیل، از غذای دیگران نمی‌خورد تا از غذای او نخورند».

امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَانَا الْحِلْمَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ السَّخَاوَةَ وَ الْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»^۲ «خداوند بلند مرتبه به ما حلم و علم و شجاعت و سخاوت عطا کرد و محبت ما را در دل‌های مؤمنین قرار داد».

کتب فریقین (شیعه و سنی) پر از داستان‌های احسان و توجه آنان به امت مسلمان است. محال بود که فردی از آنان چیزی طلب کند و آنان قدرت عطای آن را داشته باشند، ولی عطا نکنند. کرمشان از کرم همه سلاطین بیشتر و والاتر بود. چنان می‌بخشیدند که فرد سائل، ناچار نباشد نزد کس دیگری برود و نیاز دیگر خود را از او طلب کند. بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در اثر انحراف وسیعی که در دستگاه خلافت پدید آمد و به خاطر اسراف و عیاشی‌ها و ولخرجی‌های حکام، حکومت ناگزیر بود از مردم مبالغی را اخذ کند. رفته رفته به خاطر گسترش این عیاشی‌ها و در نتیجه عدم کفاف درآمدهای دولت، به ناچار بر میزان مالیات‌ها افزوده می‌شد و وضع زندگی مردم سخت شده بود. سلیمان بن عبدالملک، به مأمور مالیات خود گفته بود: «پستان را بدوش تا جایی که شیر می‌دهد و آن‌گاه که شیرش تمام شد، خون بدوش»^۳. از اینجا می‌توان به نهایت سخت‌گیری و ظلم آن حکام مستبد و ستمگر پی برد. از سوی دیگر، مردمی که به دوستی اهل بیت علیهم السلام متهم بودند، به مراتب وضع بدتر و دشوارتری داشتند؛ لذا علویون برای گذراندن زندگی دچار مشکلات فراوانی بودند. از طرفی نیز عزت نفسشان مانع آن بود که از دیگران درخواست کمک

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۸، ص ۳۵۲.

۲. علی صافی گلپایگانی؛ منتخب الأثر؛ ص ۱۷۲.

۳. علی قائمی؛ در مکتب کریم اهل بیت علیهم السلام؛ ص ۳۶۳.

نمایند.^۱

بخشش اهل بیت علیهم السلام در قرآن

قرآن در مقاطع و موارد متعددی، به بذل و بخشش اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است؛ از جمله در سوره مائده، در مورد انفاق و بخشش امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»: ^۲ «همانا ولی امر شما خدا و رسول اوست و کسانی که نماز را اقامه کرده و در حال رکوع، زکات خود را بپردازند» علمای شیعه و سنی انفاق نظر دارند که این آیه، درباره امام علی علیه السلام نازل شده است که در حال رکوع انگشترش را به فقیر بخشید.^۳

در سوره دهر که نزد شیعه معروف به سوره اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، خدای متعال در شأن آن بزرگواران می فرماید: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا»: ^۴ «و به پاس دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند و می گفتند: برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم». در شأن نزول این آیه، فریقین معتقدند که درباره ایثار اهل بیت علیهم السلام - امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان آنها نازل شده است.

در آیه دیگری خداوند می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»: ^۵ «کسانی که اموال خود را شب و نهار و آشکارا انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند». این آیه شریفه نیز در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام و ایثار و انفاق ایشان نازل شده است.^۶

۱. همان؛ ص ۳۶۵.

۲. المائده: ۵۵.

۳. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۳، ص ۳۲۵.

۴. الإنسان: ۸ و ۹.

۵. بقره: ۲۷۴.

۶. سیدمحمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۲، ص ۶۲۲.

نمونه‌هایی از بخشش اهل بیت علیهم‌السلام

امام علی علیه‌السلام

امام علی علیه‌السلام روزها، روزه می‌گرفت و شب‌ها را به گرسنگی می‌گذراند و غذای خویش را به فقرا می‌داد. سوره انسان و آیه ۲۷۴ سوره بقره، درباره ایشار آن حضرت نازل شده‌اند.^۱ امام علی علیه‌السلام کارگری می‌کرد و اجرتش را صدقه می‌داد و خود از فرط گرسنگی، بر شکمش سنگ می‌بست. در سخاوت آن امام همین بس که معاویه می‌گوید: اگر علی علیه‌السلام، خانه‌ای از طلا و خانه‌ای از کاه را مالک شود، طلا را بیشتر تصدق می‌دهد تا هیچ از آن نماند.^۲

در روایتی آمده است که راوی می‌گوید: نزد امام صادق علیه‌السلام بودم که نام امیرالمؤمنین علیه‌السلام به میان آمد. امام صادق علیه‌السلام بسیار او را ستود، آن‌گاه فرمود: «همانا وی از دارایی خویش هزار بنده خرید و در راه خدا و برای رهایی از دوزخ، آزاد کرد که بهای آن را از دسترنج خود و عرق پیشانی خویش تهیه کرده بود».^۳

هر گاه ثروتی دست امام علی علیه‌السلام می‌رسید، فقرا و تهیدستان را جمع و سپس پول‌ها را از دست راست به دست چپ خویش می‌ریخت و می‌فرمود: «ای درهم‌های زرد و سفید، غیر مرا فریب دهید». آن‌گاه همه آنها را بین محرومین تقسیم می‌کرد و سپس دو رکعت نماز شکر می‌خواند.^۴

امام همواره در شب‌های تاریک، آرد و نان و غذاهای دیگر را بر دوش می‌گرفت و به خانه فقرا می‌برد و آنها را سیر می‌کرد؛ در حالی که خود گرسنه بود.^۵

سخاوت امام حسن علیه‌السلام

ابونعیم در کتاب حلیه می‌نویسد: حسن بن علی علیه‌السلام، سه بار دارایی خود را نصف

۱. شیخ عباس قمی؛ منتهی الآمال؛ ج ۱، ص ۲۸۴.

۲. همان.

۳. همان؛ ص ۲۸۹.

۴. شیخ صدوق؛ الامالی؛ ص ۱۶۹.

۵. محمد محمدی اشتهاردی؛ «عدالت و احسان در سیره علی علیه‌السلام»؛ مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۳۱ و

۲۳۲، سال ۱۳۸۰، ص ۲۵.

کرد، نصفش را در راه خدا بخشید و یک جفت را برای خود نگه می‌داشت. در مستدرک الوسایل آمده است: مردی از او چیزی خواست. آن حضرت پنجاه هزار درهم و پانصد دینار به وی بخشید و گفت: «کسی را برای حمل این بار بیاور» و چون کسی را حاضر کرد، عبای خود را هم به او داد و گفت: «این هم اجرت باربر».^۱

امام حسین علیه السلام

روزی امام حسین علیه السلام بر اسامه بن زید وارد شد. وی بیمار بود و به شدت اظهار غم و اندوه می‌کرد. امام علت آن را پرسید، وی در پاسخ گفت: شش هزار درهم بدهکار هستم. آن حضرت فرمود: «من بر عهده می‌گیرم این مبلغ را بپردازم». اسامه بن زید گفت: بیم آن دارم که قبل از پرداخت بدهی خود، از دنیا بروم. امام فرمود: «قبل از آنکه مرگت فرا رسد، وام تو را پرداخت خواهیم کرد». حضرت پیش از آنکه مرگ او فرا رسد، وام او را ادا کرد.^۲

ابن عساکر می‌نویسد: شخص فقیری وارد مدینه شد و در حالی که قدم می‌زد، خود را به خانه حسین بن علی علیه السلام رسانید. حلقه در را به صدا در آورد و این شعر را سرود: امروز کسی که حلقه در خانه تو را گرفته و به صدا در آورده، پشیمان بر نخواهد گشت. تو صاحب جود و بخششی و معدن آن هستی. پدرت همان شخصی است که قاتل اهل فسوق بود.

امام حسین علیه السلام، که به نماز ایستاده بود، با شنیدن صدای او نماز را کوتاه کرد و خود را به مرد عرب رساند. همین که در را گشود، مردی را مشاهده کرد که فقر و ناتوانی در چهره‌اش نمایان بود. قنبر را صدا زد و از وی پرسید: «از پول مخارج خانه چقدر نزد تو موجود است؟» قنبر گفت: ای فرزند رسول خدا! دویست درهم باقی مانده که آن هم به امر شما باید بین افراد خانواده شما تقسیم گردد. امام فرمود: «آن را نزد من بیاور تا به آنکه از دیگران سزاوارتر است، بپردازم».^۳

۱. حسین نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۷، ص ۲۷۰.

۲. سید محسن امین؛ اعیان الشیعه؛ ج ۱، ص ۱۰۴.

۳. باقر شریف القرشی؛ حیاة الحسین بن علی علیه السلام؛ ص ۱۲۹.

امام سجاد علیه السلام

اربلی در کشف الغمه آورده است: آن‌گاه که یزید بن معاویه، لشکریان خود را جهت قتل و غارت به مدینه گسیل داشت، امام زین‌العابدین علیه السلام چهارصد زن همراه با شوهرانشان از قبیلهٔ عبدمناف را پناه داد و تا آن زمان که سپاه مسرف بن عقبه مدینه را ترک کردند، در خانه حضرت بودند.^۱ گروهی از اهل مدینه، از غذایی که شبانه به دستشان می‌رسید، گذران معیشت می‌کردند؛ اما آورنده غذا را نمی‌شناختند.^۲ پس از امام علی بن الحسین علیه السلام تازه متوجه شده بودند که شخصی که شبانه غذا و خواربار برای آنان می‌آورد، امام علی بن الحسین علیه السلام بوده است!^۳ امام سجاد علیه السلام شبانه به صورت ناشناس انبان نان و مواد غذایی را شخصا بر دوش می‌کشید و به خانه فقرا می‌برد و می‌فرمود: «صدقه پنهانی، آتش خشم خدا را خاموش می‌سازد».^۴

امام باقر علیه السلام

بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام باقر علیه السلام در بخشش و سخاوت، زبانزد خاص و عام بود. حضرت با آنکه زندگی متوسطی داشت، اما به انعام و احسان به مردم شهره بود. سلیمان بن دمدم می‌گوید: آن حضرت پانصد، ششصد و هزار درهم جایزه می‌داد و هیچ‌گاه از رفت و آمد پیروان و کسانی که به او دل بسته بودند، خسته و ملول نمی‌شد.^۵

حسن بن کثیر می‌گوید: از نیازمندی خود و بی‌وفایی دوستانم نزد امام باقر علیه السلام گلایه کردم. امام فرمود: «چه بد برادری است کسی که در هنگام توانگری با تو رابطه دارد و به هنگام تنگدستی رابطه‌اش را با تو قطع کند». آن‌گاه به غلامش فرمود: «کیسه‌ای بیاور». غلام کیسه‌ای آورد که در آن کیسه هفتصد درهم بود. امام فرمود: «این را

۱. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمه؛ ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. سیدمحسن امین؛ اعیان الشیعه؛ ج ۱، ۶۳۱.

۳. مهدی پیشوایی؛ سیمای پیشوایان در آئینه تاریخ؛ ص ۷۴.

۴. ابونعیم اصفهانی؛ حلیة الأولیاء؛ ج ۳، ص ۱۳۶.

۵. سیدمحسن امین؛ سیره معصومان علیهم السلام؛ ترجمه علی حجتی کرمانی؛ ج ۵، ص ۱۷.

خرج کن و چون تمام شد، مرا آگاه کن».^۱ شیخ مفید در روایتی دیگر از عبدالله بن عمیر و عمرو بن دینار نقل می‌کند که هر دوی آنان گفتند: ما محمد بن علی علیه السلام را دیدار نمی‌کردیم، جز اینکه نفقه و صله و پوشش ما را می‌داد و می‌گفت: «این را پیش از آنکه به دیدار من بیایید، برای شما آماده کرده بودم».^۲

امام صادق علیه السلام

مرحوم کلینی به سند خویش، از هشام بن سالم نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام همین که پاسی از شب می‌گذشت، انبانی پر از نان و گوشت و پول فراهم می‌کرد، آن را به دوش می‌گرفت و به سوی نیازمندان مدینه رهسپار می‌شد و آن را میانشان تقسیم می‌کرد. ایشان نیز او را نمی‌شناختند تا هنگامی که امام صادق علیه السلام از دنیا رفت و این امر متوقف شد. آن وقت بود که دانستند آن شخص، امام صادق علیه السلام بوده است.^۳

امام موسی کاظم علیه السلام

بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام موسی بن جعفر علیه السلام، مهربان‌ترین مردم به خانواده و خویشاوند خود بود. شب‌ها زنبیل‌هایی که در آنها پول، طلا، نقره، آرد و خرما بود، برای فقرا می‌برد و آنان نمی‌دانستند از کجا می‌آید و چه کسی می‌آورد.^۴ حسن بن محمد می‌گوید: وارد مدینه شدم، می‌خواستم در مدینه پولی قرض کنم، ولی به جایی نرسیدم. درمانده شدم و پیش خود گفتم: خوب است پیش موسی بن جعفر علیه السلام بروم و گرفتاری خود را به او بگویم. به قریهٔ نغمی که حضرت مزرعه‌ای در آنجا داشت، رفتم. حضرت پیش من آمد و غلامی همراه ایشان بود که در دست او غربالی بود و در میان آن تکه‌های گوشت کباب شده بود. آن جناب از آن خورد، من نیز با او خوردم؛ سپس از حال من سؤال کرد. سرگذشت خویش را به او گفتم. حضرت

۱. محمد بن محمد مفید؛ *الارشاد*؛ ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی؛ ص ۲۳۹.

۲. همان؛ ص ۲۳۹.

۳. سید محسن امین؛ *سیره معصومان علیهم السلام*؛ ج ۵، ص ۶۵.

۴. محمد بن محمد مفید؛ *الارشاد*؛ ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی؛ ص ۳۲۵.

داخل خانه شده، پس از اندک زمانی بیرون آمد و به غلام خود فرمود: «از اینجا برو». سپس کیسه‌ای به من دادند که در آن سیصد دینار پول بود و آن‌گاه رفتند. من نیز برخاسته و سوار مرکب خویش شده، بازگشتم.^۱

امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام بسیار صدقه پنهانی می‌داد و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می‌نمود. در روایت آمده که یک سال امام، تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کرد. فردی به ایشان گفت: این‌گونه بخشش، ضرر است. حضرت علیه السلام فرمود: «این‌گونه بخشش، ضرر و زیان نیست؛ بلکه غنیمت است. هرگز چیزی را که به وسیله آن طلب اجر و کرامت می‌کنی، غرامت و ضرر به شمار نیاور». هر وقت سفره غذا را برای امام پهن می‌کردند، کاسه‌ای نزدیک ایشان قرار می‌دادند. امام از هر نوع غذا، مقداری را بر می‌داشت و در آن کاسه می‌ریخت و دستور می‌داد آن را بین فقرا تقسیم کنند.^۲

در روایتی آمده است: امام رضا علیه السلام در مجلسی با یاران خود مشغول صحبت بودند و جمعیت زیادی در آن مجلس حضور داشتند که ناگهان مردی بلند قامت و گندم‌گون وارد مجلس شد و به حضرت سلام کرد و گفت: من مردی از دوستان پدران و نیاکان شما هستم. از حج بر می‌گشتم که خرجی خود را گم کردم. اگر شما به من کمک نمایید تا به وطنم برسم، پولی که شما به من می‌دهی، از طرفتان صدقه خواهم داد. حضرت فرمود: بنشین. بعد از مدتی که جمعیت پراکنده شد و جز عده کمی باقی نماند، امام رضا علیه السلام به اتاقش رفت و بعد از مدت کمی دستش را از بالای در بیرون آورد و پرسید: «آن مرد کجاست؟». مرد جواب داد: من در حضور شما هستم. امام فرمود: «این دویست اشرفی را بگیر و از نزد من خارج شو تا تو را نبینم و تو نیز مرا نبینی». بعد از رفتن آن مرد، فردی که در آنجا حضور داشت به امام رضا علیه السلام عرض کرد: شما نسبت به این شخص، احسان و بخشش نمودید. علت این‌که

۱. همان؛ ص ۳۲۶.

۲. شیخ عباس قمی؛ منتهی الآمال؛ ج ۲، ص ۴۶۳.

فرمودید: برود تا شما را ببیند و او شما را نبیند، چیست؟ ایشان فرمود: «از ترس اینکه مبادا شرمندگی در صورت او بینم».^۱

امام جواد علیه السلام

از القاب معروف پیشوای نهم شیعیان علیه السلام، «جواد» است و این، از مشهورترین القاب اوست که به دلیل سخاوت بسیار زیاد آن امام بدین نام خوانده شده است. «جواد»، یعنی کسی که بسیار اهل جود و بخشش باشد. امام جواد علیه السلام، تجلی صفت جود خداست، و کرم و بخشش‌های زیادی از سجایا و خصایص رفتاری ایشان ذکر شده است؛ چنانکه احدی را از خود نا امید بر نمی‌گرداند. ایشان را «باب المراد» خویش می‌شناختند. امام جواد علیه السلام سعی داشت به صور مختلف به افراد کمک‌رسانی کند؛ به‌ویژه به خانواده‌هایی که مغضوب دستگاه حکومت بوده و نان‌آوری نداشتند.^۲

امام حسن عسکری علیه السلام

درباره بخشش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایات زیادی نقل شده است. محمد بن علی بن ابراهیم می‌گوید: ما تهیدست شده بودیم و روزگار بر ما سخت شده بود. پدرم گفت: خوب است نزد این مرد (امام حسن عسکری علیه السلام) که وصف بخشش و سخاوت او را شنیده‌ام، برویم. به او گفتیم: او را می‌شناسی؟ گفت: نه، و تا کنون ندیدمش. به سوی خانه امام علیه السلام راه افتادیم. در بین راه پدرم گفت: چقدر خوب است که ایشان به من پانصد درهم عطا کند؛ دویست درهم برای پوشاک، دویست درهم برای خوراک و یکصد درهم برای منارج دیگر. من هم با خود گفتم: ای کاش، به من نیز سیصد درهم ببخشد؛ صد درهم برای پوشاک، صد درهم خوراک و با صد درهم دیگرش مرکبی بخرم و به منطقه جبل بروم. هنگامی که به خانه حضرت رسیدیم، غلام حضرت بیرون آمد و گفت: علی بن ابراهیم و فرزندش محمد وارد شوند. وارد شدیم و بر حضرت سلام کردیم. ایشان پس از پاسخ سلام، به پدرم

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۹، ص ۱۰۱.

۲. رک: همان؛ ج ۵۰، ص ۱۰۳ - ۱۰۵.

فرمود: «یا علی! چرا تا کنون نزد ما نیامده‌ای؟». پدرم عرض کرد: آقای من! شرم داشتم با این حال شما را ملاقات کنم. غلام حضرت به دنبال ما آمد و کیسه‌ای به پدرم داد و گفت: این پانصد درهم است؛ دویست درهم برای خوراک، دویست درهم برای پوشاک و صد درهم برای مخارج دیگر. کیسه‌ای نیز به من داد و گفت: این سیصد درهم است؛ صد درهم برای خرید مرکب، صد درهم برای پوشاک و صد درهم برای خوراک.^۲

۱. شیخ عباس قمی؛ *منتهی‌الأمال*؛ ج ۲، ص ۷۱۹.

۲. این مقاله با همکاری پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام آماده شده است.